

جایگاه و نقش زنان در عرصه سیاسی

در هندسه فکری اسلام جایگاه و نقش های زنان به گونه ای طراحی شده است که ضمن رعایت حقوق و تکالیف متوازن زنان که در وهله اول موجب استحکام بنیان خانواده خواهد شد و در پی آن افراد به کرامت و کمال حقیقی خویش رسیده و جامعه در عرصه های مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و... از وجود زنان بهره خواهد برد. در صورتی که با ندیده انگاشتن گزاره های دینی شاهد شکل گیری دو نگاه افراطی و تفریطی به زنان خواهیم بود که منجر به جابه جایی حقوق و وظایف و نقش های اعضای خانواده و بعضا جامعه شده و تبعاتی را برای افراد، خانواده ها و جامعه خواهد داشت. رویکرد تفریطی به نقش و جایگاه زنان در عرصه فردی، خانوادگی و اجتماعی بدرستی نپرداخته است و تمرکز آن تنها بر خانه داری و اجتناب از فعالیت و اثرگذاری اجتماعی است و این گونه استدلال می نمایند که اسلام هیچ گونه تکلیف اجتماعی برای زنان قائل نیست و از سویی دیگر در رویکرد افراطی بر فردیت زنان متمرکز شده و حتی خانواده را مانعی برای رشد فردی زن قلمداد می نماید. در این صورت هر چند حضور کمی زنان در جامعه افزایش می یابد ولی عموماً غیر متناسب با ویژگی های تکوینی زنان است و بیشتر به عنوان ابزار و کالایی در جامعه خواهند بود و جامعه از نقش موثر زنان بی بهره خواهد ماند.

درگفتمان انقلاب اسلامی، با عدم پذیرش رویکرد افراطی و تفریطی و احیای نگرش اصیل اسلامی به زن، زمینه رهایی زنان از بند باورهای غلطی را فراهم نمود تا زنان با پی بردن به ارزش حقیقی خویش توانایی های بالقوه خود را در عرصه های مختلف به منصفه ظهور برسانند و زنان توانستند حضور موثری در عرصه اجتماعی و سیاسی پیدا کنند. در حقیقت، در نگاه جامع اسلام در کنار رشد و تعالی فردی و نقش های خانوادگی زنان، نقش و مسئولیت اجتماعی نیز دیده شده است تا اجتماع از حضور زنان در عرصه های مختلف اجتماعی از جمله عرصه سیاسی بهره کافی در مسیر پیشبرد اهداف خویش ببرد. برای فهم بهتر نقش و جایگاه زنان در عرصه سیاسی مدل زیر ارائه می شود.

سطح مقیاس	انگیزه	اندیشه	رفتار
خانواده	انگیزش سیاسی در خانواده	اندیشه سیاسی در خانواده	رفتار سیاسی در خانواده
جامعه	انگیزش سیاسی در جامعه	اندیشه سیاسی در جامعه	رفتار سیاسی در جامعه

بر اساس این مدل نقش آفرینی زنان در عرصه سیاسی از طریق جهت‌دهی انگیزش‌ها، تاثیر بر اندیشه‌ها و تغییر رفتارها در مقیاس‌های خانواده و جامعه می‌باشد. از یک منظر از آنجایی که زنان مطابق با فرمایشات امام(ره) عناصر موثری در پرورش جوامع و... به شمار می‌روند. زنان با تحریک نظام احساسات و ایجاد انگیزه در عرصه سیاسی ابتدا بر اعضای خانواده خویش و در گام بعد بر افراد جامعه، به زمینه‌سازی جهت حضور پر رنگ تر و موثرتر در عرصه سیاسی گام برمی‌دارند. که می‌توان این امر را ذیل انگیزش سیاسی زنان در سطح جامعه و خانواده قرار داد. هم‌چنین هماهنگی میان انگیزه و اندیشه انسان‌های تراز انقلاب اسلامی با ارزش‌های دینی و آرمان‌های والای انقلاب اسلامی می‌تواند تاثیر گذاری در عرصه سیاسی را عمیق تر و با بصیرت تر نماید. بر این اساس زنان علاوه بر تهییج و تشویق اراده‌های انسانی نقش مهمی در آگاهی بخشی و ارتقاء سطح درک افراد جامعه نسبت به مسائل سیاسی ایفا می‌نمایند.

در سطح رفتار نیز حضور زنان و مشارکت مستقیم آنان در پیروزی انقلاب اسلامی امری انکارناپذیر بوده و همواره از سوی بنیان گذار انقلاب اسلامی مورد توجه و تاکید قرار گرفته است. به طوری که ایشان می‌فرمایند: «همراهی و مشارکت فعالانه زنان در نهضت پیروزی، اسلام را بیمه کرد.» (صحیفه نور، جلد ۵) و این مشارکت مستقیم در لایه‌های مختلف از داشتن مناصب بالای سیاسی از جایگاه وزارت و وکالت گرفته تا مشارکت در عرصه‌های مختلف سیاسی همواره وجود داشته است. هر چند در طول دهه‌های اخیر بازیابی حقیقی هویت زنان در عرصه سیاسی و اجتماعی بسیار پر رنگ و حائز اهمیت است ولی هم‌چنان تا تحقق کامل این امر که تمامی زنان در جامعه اسلامی نقش انگیزه‌دهی، اندیشه و رفتار در مقیاس خانواده و جامعه را اولاً بشناسند و وظیفه و مسئولیت خویش قلمداد نمایند و ثانیاً به نحوه احسن به منصفه ظهور بگذارند، فاصله دارد.